



در یک ماه گذشته، همزمان با تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف به‌طور کم‌سابقه‌ای به بازیگران فعال در فضای شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) تبدیل شده‌اند. بررسی محتوای این حساب‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی رسمی ایران وارد مرحله‌ای تازه شده؛ مرحله‌ای که ترکیبی از تبلیغات سیاسی، جنگ روانی، طنز و حتی «میم‌سازی» را در بر میگیرد.

🔗 **تغییرالگو: از بیانیه رسمی به «میم دیپلماسی»**
 تا پیش از این، حساب‌های رسمی سفارتخانه‌ها عمدتاً به انتشار بیانیه‌های دیپلماتیک، اخبار دیدارها و مواضع رسمی محدود بودند. اما در یک ماه اخیر، پس از آغاز جنگ، این الگو به‌طور محسوسی تغییر کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد سفارتخانه‌های ایران در کشورهایی مانند آفریقای جنوبی، فنلاند و زیمبابوه به‌طور فعال وارد تولید محتوای طنزآمیز و کنایه‌دار علیه آمریکا و شخص دونالد ترامپ شده‌اند و جالب توجه این که این پست‌ها حتی بیشتر از داخل ایران در میان رسانه‌های غیرفارسی‌زبان مورد توجه قرار گرفته است. در برخی موارد، این حساب‌ها با استفاده از تصاویر کارتون‌ی، ویدیوهای کوتاه یا حتی انیمیشن‌های لگویی، حملات نظامی آمریکا را به سخره گرفته یا ادعاهای واشینگتن را زیر سؤال برده‌اند. این روند نشان‌دهنده عبور از «دیپلماسی کلاسیک» به نوعی «دیپلماسی دیجیتال تهاجمی» است. در یک ماه گذشته سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف جهان، حضوری فعال و هدفمند در شبکه اجتماعی ایکس داشته‌اند. بررسی پست‌های رسمی حدود ۱۰ سفارتخانه منتخب از اروپا (بریتانیا، آلمان، هلند)، آسیای جنوبی (هند، پاکستان)، آفریقا (آفریقای جنوبی)، خلیج فارس (قطر)، لبنان و ارمنستان نشان می‌دهد که این حساب‌ها عمدتاً به دو دسته محتوا پرداخته‌اند: روایت دفاعی از ایران در برابر تجاوز نظامی

آمریکا و اسرائیل، و حفظ روابط دوجانبه با کشورهای میزبان. این فعالیت‌ها در بستر یک بحران واقعی (حملات هوایی به دانشگاه شریف، موسسه پاستور، پل‌ها و مدارس مانند مدرسه دخترانه میناب) شکل گرفته و عملکرد آن‌ها از نظر تعامل مخاطبان، جهشی قابل توجه داشته است.

🔗 حمله به روایت غربی

سفارتخانه‌ها با حدود ۱۰ تا ۱۵ پست در بازه مورد نظر، به طور متوسط روزانه یک تا دو پست منتشر کرده‌اند. محتوای غالب آنها، محکومیت «جنایات جنگی» و «تروریسم دولتی» بوده است. به عنوان مثال سفارت ایران در برلین با انتشار تصاویر بمباران دانشگاه شریف حمله به دانشگاه را «حمله به خود دانش» خوانده و از جامعه علمی جهانی خواسته سکوت نکنند. سفارت ایران در لاهه با مقایسه حادثه هواپیماهای آمریکایی در طیس ۱۳۵۸ و اصفهان در چند روز پیش، به «طیس ۲» اشاره کرده و ترامپ را متهم به تکرار شکست تاریخی کرده است. این پست‌ها اغلب با تصاویر، ویدیوهای هشتگ‌های متفاوتی همراه بوده و تعامل بالایی (تا ۳۰

سفر ادر میدان جنگ

چگونه در دفاع مقدس سوم، سفارت‌خانه‌های ایران در برابر پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای غرب ایستادند



هزار لایک و صدها بانشر) به دست آورده‌اند.

🔗 محورهای اصلی محتوا

بررسی محتواهای منتشرشده نشان می‌دهد که پست‌های سفارتخانه‌ها حول چند محور کلیدی متمرکز بوده‌اند. حمله به روایت آمریکا: بخش عمده‌ای از پست‌ها به چالش کشیدن روایت رسمی آمریکا از جنگ اختصاص دارد. به‌عنوان مثال، در واکنش به تهدیدهای مقامات آمریکایی درباره بازگرداندن ایران به «عصر حجر» به حساب‌های وابسته به ایران با ارجاع به تاریخ تمدن ایران پاسخ‌های طعنه‌آمیز منتشر کرده‌اند. شخص‌سازی پیام‌ها علیه ترامپ: بسیاری از پست‌ها مستقیماً رئیس‌جمهور آمریکا را هدف قرار می‌دهند؛ از پاسخ به پیام‌های او گرفته تا انتشار محتوای طنز درباره اظهاراتش. در یک نمونه، سفارت ایران در فنلاند مستقیماً به پست تهدیدآمیز ترامپ پاسخ داده است. استفاده از طنز و میم: شاید مهم‌ترین ویژگی این دوره، استفاده گسترده از «میم» باشد؛ ابزاری که پیش‌تر کمتر در دیپلماسی رسمی دیده میشد. این میم‌ها گاه شامل تصاویر تخریبی از تجهیزات آمریکایی یا روایت‌های

طنز از نبردها هستند. نمایش قدرت و روایت پیروزی: همزمان، برخی پست‌ها روایت برتری نظامی ایران منتشر شده‌اند؛ از جمله سرنگونی جنگنده‌های آمریکایی یا خسارات وارده‌شده به نیروهای آمریکا.

🔗 هماهنگی یا خلاقیت در لحظه؟

یکی از نکات مهم درباره این موج فعالیت، میزان هماهنگی میان سفارتخانه‌ها است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نوعی الگوی مشترک در محتوا وجود دارد؛ از جمله تکرار مضامین مشابه، استفاده از قالب‌های یکسان و حتی بازنشر متقابل. با این حال، نشانه‌هایی از رقابت و خلاقیت محلی نیز دیده میشود. برای مثال، برخی حساب‌ها به‌صورت طنزآمیز از «کپیبرداری» دیگر سفارتخانه‌ها از میم‌هایشان انتقاد کرده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که احتمالاً یک چارچوب کلی از سوی تهران تعیین شده، اما اجرای آن تا حدی به سفارتخانه‌ها واگذار شده است.

🔗 جنگ روانی و مخاطب‌سازی

این تغییر رویکرد را میتوان در چارچوب «جنگ شناختی» تحلیل کرد. اهداف اصلی این فعالیت‌ها عبارت‌اند از تضعیف روایت رقیب، جذب مخاطبان جوان‌تر در شبکه‌های اجتماعی، افزایش دیده شدن پیام‌های ایران در فضای بین‌المللی و ایجاد همدلی در کشورهای غیرغربی. درواقع، سفارتخانه‌ها دیگر فقط نمایندگیهای دیپلماتیک نیستند، بلکه به «رسانه‌های فعال» تبدیل شده‌اند.

🔗 دیپلماسی دیجیتال تهاجمی

فعالیت سفارتخانه‌های ایران در شبکه «ایکس» طی یک ماه گذشته نشان‌دهنده ورود جدی تهران به عرصه «دیپلماسی دیجیتال تهاجمی» است؛ رویکردی که در آن مرز میان دیپلماسی، رسانه و جنگ روانی تا حد زیادی محو شده است. در شرایطی که جنگ نظامی با جنگ روایت‌ها درهم تنیده شده، سفارتخانه‌های ایران تلاش میکنند با ابزارهایی غیرمعتارف (از میم تا طنز سیاسی) بر افکار عمومی جهانی تأثیر بگذارند. با این حال، موفقیت بلندمدت این استراتژی به حفظ تعادل میان جذابیت رسانه‌ای و اعتبار دیپلماتیک وابسته خواهد بود.

در میانه جنگ تحمیلی سوم و ضربات کاری ایران به هیمنه آمریکا و رژیم صهیونی، ناگهان خبر یک «طرح آتش‌بس ۴۵ روزه» با میانیجیری و همراهی برخی بازیگران منطقه‌ای به خصوص پاکستان به صدر رسانه‌های جهانی رسید؛ طرحی که در نگاه اول، نشانه‌ای از باز شدن روزنه‌های دیپلماسی به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، بیش از آنکه نقشه راه صلح باشد، به یک عملیات مدیریت بحران برای طرف‌های غربی شباهت دارد که عملاً در باتلاق گرفتار شده‌اند. بر اساس گزارش آکسیوس، این طرح شامل توقف موقت درگیری‌ها و آغاز مذاکرات در یک بازه زمانی محدود است؛ الگویی که پیش‌تر نیز در بحران‌های منطقه‌ای تجربه شده و اغلب نه به صلح پایدار، بلکه به «تنفس تاکتیکی» برای بازیگران درگیر منجر شده است. در چنین چارچوبی، آتش‌بس نه پایان جنگ، بلکه تعلیق موقت آن برای بازآرایی صحنه نبرد است. نکته کلیدی آنجاست که این ابتکار، پیش از هرگونه پذیرش رسمی از سوی تهران به‌صورت گسترده در رسانه‌ها منتشر شده است؛ پدیده‌ای که بیش از آنکه نشان‌دهنده پیشرفت دیپلماتیک باشد، حکایت از یک «شش هدفمند» برای ستنجش واکنش‌ها و شکل‌دهی به فضای روانی دارد. در واقع، برجسته‌سازی یک عدد مشخص - ۴۵ روز - و ارائه آن به‌عنوان چارچوبی قطعی، بیش از آنکه محصول توافق باشد، نشانه‌ای از طراحی رسانه‌ای برای القای نزدیک بودن صلح است. در نهایت، آنچه امروز به‌عنوان «طرح صلح و آتش‌بس موقت» مطرح می‌شود، در بهترین حالت یک پیشنهاد اولیه و در بدبینانه‌ترین سناریو، تلاشی برای خرید زمان و تغییر موازنه میدانی است. تجربه نشان داده است که آتش‌بس‌های موقت می‌توانند به ابزاری برای بازسازی قدرت آمریکا و رژیم صهیونی بدل شوند. از این رو، «سراب صلح» بیش از آنکه نوید پایان بحران باشد، می‌تواند توطئه‌ای برای دور تازه‌ای از تقابل‌ها باشد و باید از آن قویا دوری جست.

در میانه جنگ تحمیلی سوم و ضربات کاری ایران به هیمنه آمریکا و رژیم صهیونی، ناگهان خبر یک «طرح آتش‌بس ۴۵ روزه» با میانیجیری و همراهی برخی بازیگران منطقه‌ای به خصوص پاکستان به صدر رسانه‌های جهانی رسید؛ طرحی که در نگاه اول، نشانه‌ای از باز شدن روزنه‌های دیپلماسی به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، بیش از آنکه نقشه راه صلح باشد، به یک عملیات مدیریت بحران برای طرف‌های غربی شباهت دارد که عملاً در باتلاق گرفتار شده‌اند.

بر اساس گزارش آکسیوس، این طرح شامل توقف موقت درگیری‌ها و آغاز مذاکرات در یک بازه زمانی محدود است؛ الگویی که پیش‌تر نیز در بحران‌های منطقه‌ای تجربه شده و اغلب نه به صلح پایدار، بلکه به «تنفس تاکتیکی» برای بازیگران درگیر منجر شده است. در چنین چارچوبی، آتش‌بس نه پایان جنگ، بلکه تعلیق موقت آن برای بازآرایی صحنه نبرد است. نکته کلیدی آنجاست که این ابتکار، پیش از هرگونه پذیرش رسمی از سوی تهران به‌صورت گسترده در رسانه‌ها منتشر شده است؛ پدیده‌ای که بیش از آنکه نشان‌دهنده پیشرفت دیپلماتیک باشد، حکایت از یک «شش هدفمند» برای ستنجش واکنش‌ها و شکل‌دهی به فضای روانی دارد. در واقع، برجسته‌سازی یک عدد مشخص - ۴۵ روز - و ارائه آن به‌عنوان چارچوبی قطعی، بیش از آنکه محصول توافق باشد، نشانه‌ای از طراحی رسانه‌ای برای القای نزدیک بودن صلح است.

در نهایت، آنچه امروز به‌عنوان «طرح صلح و آتش‌بس موقت» مطرح می‌شود، در بهترین حالت یک پیشنهاد اولیه و در بدبینانه‌ترین سناریو، تلاشی برای خرید زمان و تغییر موازنه میدانی است. تجربه نشان داده است که آتش‌بس‌های موقت می‌توانند به ابزاری برای بازسازی قدرت آمریکا و رژیم صهیونی بدل شوند. از این رو، «سراب صلح» بیش از آنکه نوید پایان بحران باشد، می‌تواند توطئه‌ای برای دور تازه‌ای از تقابل‌ها باشد و باید از آن قویا دوری جست.

قدرت موازنه‌ای ایران مطرح شد؛ جایی که تلاش‌های چندین‌هفته‌ای دشمن برای تغییر وضعیت، به نتیجه نرسید و نشانه‌هایی از استیصال در رفتار آنان بروز یافت.

بر این اساس، آنچه امروز در صحنه مشاهده میشود، برتری ایران در هر دو عرصه «جنگ محاسبات» و «جنگ معادلات» است؛ برتری‌ای که ریشه در قدرت مردمی و دکترین مقاومت دارد و با خلق مستمر معادلات جدید، ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.



🕒 اوقات شرعی

اذان صبح: ۰۴:۲۳
 طلوع: ۰۵:۴۸
 اذان ظهر: ۰۸:۱۴
 غروب: ۱۸:۳۷
 اذان مغرب: ۱۸:۴۶
 نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۵

🔒 حکمت

- پیامبر اکرم(ص): هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد دوستی شایسته نصیب وی خواهد نمود./ نهج الفصاحه

🔗 رایحه ظهور

- امام رضا (علیه‌السلام): کوتاهی کردن، مصیبت توانا یان است./ اعلام‌الدین

🔒 وصیت شهدا

- شهید اکبر منصوری خداوند کسانی را که در راهش مثل کوه محکم و استوار جنگ می‌کنند و کشته می‌شوند دوست می‌دارد

🔗 خبر روز

سرگیجه یک دیوانه

تیم کاخ سفید از پست‌های ترامپ در سوشال تروث گیج شده!

گزارش آکسیوس نشان می‌دهد که پیام‌های دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال و اظهارات عمومی او، نه تنها متحدانش را دچار سردرگمی کرده، بلکه چارچوب سیاست آمریکا را نیز نامشخص کرده است. در پشت صحنه، حتی تیم او و برخی متحدان نزدیک نیز درباره جهت‌گیری واقعی دولت آمریکا اختلاف‌نظر دارند. در هفته‌های اخیر، ترامپ بارها از احتمال پایان یافتن درگیری و خروج نیروهای آمریکایی «طی دو تا سه هفته» سخن گفته، اظهاراتی که باعث شد بازار انرژی و سرمایه‌نوسان پیدا کند و گمانه‌زنی درباره پایان قریب‌الوقوع جنگ افزایش یابد. او همچنین بدون جزئیات روشن گفته است که بعد از خروج، قیمت بنزین «به سرعت سقوط خواهد کرد». با این حال، در عمل وضعیت پیچیده‌تر است؛ به رغم ترکیب پیام‌های به ظاهر «آشتیانه‌طلبانه» ترامپ در برخی اعلامیه‌ها و پست‌ها، اقدامات نظامی در منطقه ادامه دارد و واشینگتن در حال گسترش حضور نظامی خود است. از جمله افزایش امکانات و نیروهایی که شباهت به نیروهای آماده عملیات زمینی نیز دارد. طرز پیام‌رسانی او بین پیام‌های امیدبخش کاهش تنش و ادامه تهدید نظامی نوسان دارد. منابع داخلی آمریکا به آکسیوس گفته‌اند که برخی از مشاوران دولت معتقدند ترامپ بدون یک راهبرد روشن و منسجم عمل میکند و پیام‌های متناقضش میتواند حتی به تضعیف موقعیت دیپلماتیک آمریکا منتهی شود. برخی دیگر اما گمانه می‌زنند که این عدم انسجام ظاهری بخشی از یک تاکتیک عمدی برای تحت‌فشار قرار دادن ایران و دیگر طرف‌ها است. در سطح عملی، پیش‌بینیها درباره گفت‌وگوهای احتمالی با ادعایی با تهران نیز مبهم است. اگر چه برخی گزارش‌ها اشاره کرده‌اند که گفت‌وگوهای غیرمستقیم یا مقدماتی برای پایان جنگ و توافقات احتمالی در جریان است، اما ایران تاکنون شروط مشخص خود را اعلام کرده و چنان که منابع دیگر گفته‌اند، نسبت به مذاکرات با واشینگتن با تردید و حتی نگرانی از «دام» احتمالی آمریکا برخورد میکند. گزارش آکسیوس حاکی است که تلاش برای ترکیب «پیام‌های امید به پایان جنگ» با سیاست‌های نظامی ادامه‌دار، یک چالش واقعی برای تیم امنیت ملی ترامپ ایجاد کرده و میتواند بر روابط بین‌الملل، ثبات منطقه و حتی بازارهای جهانی تأثیر بگذارد.

فرهنگ

🕒 یادداشت

دکتر علی مجتبی زاده؛ نویسنده و پژوهشگر

نادر واثر گذار مثل آفتاب

پس از رحلت امام (ره)، رهبری انقلاب اسلامی در دست باکفایت مقام معظم رهبری قرار گرفت که به تعبیر مرحوم امام «بازوی توانای جمهوری اسلامی» «واز جمله افراد نادر هستند که چون خورشید روشنی می‌دهند».

ایشان در شرایطی رهبری انقلاب را عهده‌دار شدند که از یکسو جنگ تحمیلی به پایان رسیده و شرایط ویژه دوران بازسازی و مسائل خاص آن نمایان گشته بود و نیاز به برنامه‌ریزی، تلاش، تخصص و سرمایه را ضروری می‌ساخت و از طرف دیگر باید ارزش‌های انقلاب و اصول آن در این میدان به فراموشی سپرده نمی‌شد. از سوی دیگر تهاجم نظامی دشمن به تهاجم فرهنگی تبدیل شد که به مراتب خطرناک‌تر و حساس‌تر از تهاجم نظامی دشمن بود چرا که این بار دشمن عقاید، افکار و فرهنگ جامعه اسلامی به‌ویژه جوانان را هدف قرار گرفت تا نظام اسلامی را از درون با مشکل مواجه سازد. واز سوی دیگر شرایط خاص جهانی نیز به حساسیت این دوران می‌افزود. فروپاشی شوروی سابق زمینه یک‌تازی آمریکا برای ایجاد نظام تک‌قطبی در جهان را فراهم نمود که امر موجب افزایش فشارهای آمریکا علیه ایران گردید. پشت کردن برخی از عناصر خودی نسبت به اصول وارزش‌های انقلاب اسلامی و کسانی که در داخل، آب به آسیاب دشمن می‌ریختند را نیز باید به شرایط فوق افزود.

در چنین شرایط حساسی مقام معظم رهبری شجاعانه و هوشمندانه انقلاب اسلامی را رهبری کردند و در سایهٔ رهبری ایشان و حمایت مردم، امروز ایران اسلامی به عنوان کشوری مستقل و تأثیر گذار در سطح منطقه و جهان مطرح شده و در برابر یک‌ه‌تازی‌های آمریکا و قدرت‌های بزرگ ایستاده است به گونه‌ای که الکساندر هیک (وزیر دفاع سابق آمریکا) چنین می گوید: «به نظر من خطرناک‌تر و مهم‌تر از این مشکلات بین‌المللی، عواقب گسترش بنیادگرایی اسلامی است که در ایران باگرفته و اکنون عنوان و ثبات رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند. اگر این از کنترل خارج شود منافع ابر قدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه به مخاطره خواهد‌انداخت».

از این رو آمریکا آشکارا به دشمنی با انقلاب اسلامی پرداخته و از هیچ اقدامی در این جهت در بیغ ننموده است. در جهش سیاست داخلی همانگونه که طبق قانون اساسی «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر حسن اجرای آن» از وظایف و اختیارات رهبر شمرده شده است، رهبر شهید نیز در دوران رهبری خویش سیاست‌های کلی نظام را به نحو شایسته‌ای تعیین نموده و بر اجرای آن نظارت لازم را اعمال نمودند و در این راستا طرح چشم‌انداز ۲۰ ساله را مطرح نمودند طرحی که آینده روشنی را برای توسعه و پیشرفت ایران اسلامی در تمام ابعاد به همراه خواهد داشت. ایشان چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران و سیاست‌های اعلام‌شده را مبنای قانون‌گذاری مجلس برشمرند و خاطر نشان کردند اگر همهٔ ارکان کشور و دستگاه‌ها به وظایف مشخص شده در این چشم‌انداز عمل کنند ایران ظرف ۲۰ سال به نقطه اوج خواهد رسید.

توجه به رشد علمی کشور و طرح نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری از سوی ایشان، توجه به جوانان و نخبگان و مدیدن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در آنها برای رشد و پیشرفت کشور و توجه و تأکید بر نیازهای واقعی مردم و تحقق عدالت و نام‌گذاری سال‌ها بر مبنای اولویت‌های کشور و تعیین خط مشی کشور از اقداماتی بود که رهبری شهید در راستای هدایت و جهت‌دهی کلی حرکت کشور انجام دادند که نشان از تشخیص صحیح و مدیریت مؤثر ایشان داشت.